

## کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان

حمیدرضا مطهری<sup>۱</sup>

صدرالله اسماعیلزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

پس از افول دولت شیعی آل بویه و با روی کار آمدن سلجوقیان سنی مذهب، قدرت امامیه کاهش یافت و سخت گیری‌هایی از سوی حکومت نسبت به شیعیان به وجود آمد. (تاریخچه) اما پس از مدتی، امرا و دیوان سالاران (کارگزاران) شیعی، در حکومت سلجوقی حضور مؤثری یافتند و مناصبی چون وزارت، کتابت و حتی امارت حکومت‌های کوچک شیعی را به دست آوردند. (مسأله) با این وصف، بررسی‌های منسجم و کل نگری درباره برآمدن شیعیان و خدمات آنان به مسلمانان صورت نگرفته است. (پیشینه) این مقاله، در پی پاسخ گویی به نحوه ورود شیعیان و کارکرد آنان در دوره‌های مختلف دستگاه حکومتی سلجوقی است. (سؤال) مطالعه این بخش از تاریخ تحولات سیاسی و فرهنگی شیعه امامیه، می‌تواند دستاوردهای ارزشمندی در جهت کشف و فهم پویایی تاریخ شیعه امامی در اختیار جوامع شیعه بگذارد. (فرضیه) از این رو، در این نوشتار بر آنیم تا جایگاه شیعیان در دستگاه حکومت سلجوقی (هدف) را به روش توصیفی - تحلیلی نشان دهیم. (روش) انعطاف پذیری شیعه برای حفظ موجودیت در سخت‌ترین اوضاع با تأکید بر ابراز عقاید مذهبی، مهم‌ترین نتیجه این مقاله است. (یافته)

### واژگان کلیدی

سلجوقیان، شیعیان، کارگزاران شیعی، شعائر شیعی و نظام الملک.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول) - motahari50@gmail.com  
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران - sesmaeilzadeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۶

## مقدمه

سلجوقیان در قرن‌های پنجم و ششم هجری، بر بخش‌های بزرگی از آسیای غربی، شامل ایران کنونی، شام و عراق، فرمان‌روایی داشتند. آنان با درگیری و جنگ‌های مختلف بر ایران و با از بین بردن حکومت شیعی آل بویه، بر بغداد مسلط شدند. پادشاهان سلجوقی به حمایت از اهل سنت، جریان‌های مخالف به ویژه شیعیان را زیر فشار گذاشتند. هر چند پادشاهان اولیه سلجوقی نسبت به سایر مذاهب، رفتاری متعصبانه نداشتند، با حضور وزیر قدرتمند آنان یعنی خواجه نظام‌الملک، سیاست مذهبی آنان در مسیر تازه‌ای قرار گرفت. وی نگاه مثبتی به جریان تشیع نداشت و از این‌رو، تأثیر او بر حاکمان سلجوقی، باعث کم‌رنگ شدن حضور شیعیان گردید، ولی با وجود این، شیعیان از فعالیت ناپستادند و در جامعه و حتی دستگاه حکومتی سلجوقیان حضور داشتند و به مناصب مختلفی دست یافتند. در ادامه، با اشاره به سیاست دستگاه حکومتی سلجوقی نسبت به شیعیان، حضور آنان را در امور حکومتی بررسی خواهیم کرد.

## ۱. سیاست مذهبی سلجوقیان

سلجوقیان پیرو مذهب اهل سنت بودند و با تمام وجود از آن حمایت می‌کردند. این سیاست مذهبی، تابع

وزیران بود؛ چنان‌که در آغاز پیرو مذهب حنفی بودند و با روی کار آمدن خواجه نظام‌الملک، به مذهب شافعی گرویدند و آن را ترویج دادند و از نشر سایر فرقه‌های سنی جلوگیری کردند. همین موضوع، درگیری میان فرقه‌های اهل سنت را سبب شد. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۱۶)

اختلافات مذهبی میان اهل سنت و مشغول شدن آن‌ها به این امور، طبعاً یک نوع مصونیت برای شیعیان را سبب می‌شد؛ زیرا آن‌ها نقشی در این اختلافات نداشتند و به دور از این اختلافات، به تثبیت و ترویج عقاید خویش مشغول بودند؛ اما این مطلب را نباید به معنای آرامش برای شیعیان دانست؛ زیرا در این دوره، سلاجقه برای شیعیان محدودیت‌هایی ایجاد کردند و به آزار آن‌ها نیز پرداختند. از جمله از گفتن اذان شیعی جلوگیری کردند و شعارهای

## کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان ۳۳

شیعی را که بر دیوارهای منطقه شیعه‌نشین «کرخ» بود زدودند (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۱۶) و حتی برخی از شخصیت‌های شیعی هم‌چون ابو عبدالله بن جلاب پیشوای پارچه‌فروشان در محله باب‌الطاق بغداد را به جرم تبلیغ آشکار باورهای شیعی خود به دار کشیدند. (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۹: ۱۶)

در ابتدای این حکومت و پس از هجرت شیخ طوسی به نجف به خانه او در محله کرخ بغداد هجوم آوردند و کتاب‌های او را سوزاندند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹: ۶۳۷) طغرل سلجوقی (۴۴۲-۴۵۵ ق) کتابخانه شاپور بن اردشیر، از وزرای شیعی حکومت آل بویه را که بیش از ده هزار کتاب در آن وجود داشت، در سال ۴۵۰ قمری به آتش کشید. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹: ۳۵۰) این محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت؛ چنان‌که آل بارسلان (۴۵۵-۴۶۵ ق) پس از آگاهی از این که یکی از سرداران وی \_دهخدا یحیی\_ فردی از شیعیان را به عنوان دبیر خود برگزیده، سردار را به دشمنی با خود متهم کرد و پس از احضار دبیر، خطاب به او گفت: «ای مردک، تو باطنی‌ای و می‌گویی خلیفه خدا حق نیست؟» دبیر توضیح داد که باطنی نیست، بلکه شافعی و رافضی است. سلطان، مذهب روافض را بدتر از کیش باطنیان شمرده «چاووشان را فرمود تا چوب در آن مردک نهادند و نیم‌مرده او را از سرای بیرون کردند.» (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۴۸: ۱۹۵)

منابع از ادامه این سخت‌گیری‌ها در روزگار ملک‌شاه (۴۶۵ - ۴۸۵ ق) نیز خبر داده‌اند؛ به طوری که به تحریک خواجه نظام‌الملک، عالمان امامی مذهب ساکن ری را «به منبرها بردند، سرها برهنه کرده، به بی‌حرمتی و استخفاف که می‌کردند بر ایشان و می‌گفتند شما دشمنان دینید و سابقان اسلام را لعنت می‌کنید و شعارتان، شعار ملحدان است؛ ایمان بیاورید تا اگر خواستند و اگر نه، ایمان می‌آوردند و از مخالفت رفض بیزار می‌شدند.» (قزوینی رازی، بی‌تا: ۵۱)

خواجه نظام‌الملک که مهم‌ترین وزیر دولت سلجوقی و از طرفداران سرسخت تسنن از نوع شافعی آن بود، بر فرقه‌های شیعه، به ویژه اسماعیلیان، سخت‌گیری می‌کرد. کتاب *سیاست‌نامه* او، پر از دشنام به شیعه است. وی سلطان را نیز از راه دادن شیعیان به امور اداری پرهیز داده و نگرانی خود را از نفوذ

شیعیان در دستگاه حکومت اعلام کرده است. وی می‌نویسد:

و کسان هستند که امروز در این دولت، قربتی دارند و سر از گریبان شیعت بیرون کرده‌اند، از این قومند و در سر کار ایشان می‌سازند و قوت می‌دهند و دعوت می‌کنند و خداوند عالم [شاه] را بر آن می‌دارند که خانه خلفای بنی‌عباس براندازد و اگر بنده نهبن [درپوش] از سر آن دیگ بردارد، بس رسوایی که از زیر آن بیرون می‌آید. (قزوینی رازی، بی‌تا: ۲۲۸)

چنین سخنانی از خواجه، بیش‌تر از تحلیل و مصلحت‌سیاسی است نه از دیانت؛ زیرا وی در کتابش، شیعه را اهل بدعت و ضلالت معرفی کرده، می‌گوید:

در روزگار محمود و مسعود و طغرل و آلپارسلان - انارالله برهانهم - هیچ گبری و ترسایی و رافضی‌ای را یارای آنان نبودى که به صحرا توانستى آمد یا پیش بزرگى شدى... و اگر کسی در آن روزگار به خدمت ترکی آمدی، به کدخدایی یا به شغل دیگر، اگر گفتی حنفی مذهبیم یا شافعی مذهب یا از شهری که سنی باشند، قبول کرد و اگر گفتی شیعی‌ام و از قم و کاشان و آبه و ری‌ام، او را نپذیرفتی و گفتی برو که ما مارکشیم نه مار پروریم! (خواجه نظام‌الملک، ۱۳۴۸: ۲۵۰)

خواجه قصد داشت افرادی معتقد به مذهب شافعی تربیت کند تا از آن‌ها در مناصب دولتی استفاده نماید؛ از این رو، در مراکز علمی به ویژه مدارس که خود بنا کرد یعنی نظامیه‌ها، سخت‌گیری شدیدتری اعمال می‌کرد. این مدارس بر اساس فقه شافعی اداره می‌شد و بسیاری از اساتید که از مذاهب دیگر بودند، یا کنار گذاشته شدند و یا تغییر مذهب دادند و معدود دانشمندانی چون فصیحی استرآبادی (م ۵۱۶ ق) که تشیع خویش را انکار نکردند، از تدریس مدرسه نظامیه و مسکن و مزایای آن‌جا محروم ماندند. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۱۵: ۴۱۵) با این حال، خواجه به سادات ری و برخی از عالمان شیعه آن شهر، احترام فراوانی می‌گزارد و گاه به مجلس درس شیعیان امامی می‌رفت. او زمانی که در عراق بود، همراه ملک‌شاه به زیارت قبر امام کاظم علیه السلام در کاظمین و امیرمؤمنان و امام حسین علیه السلام در نجف و کربلا رفت. (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۴۸)

سخت‌گیری بر شیعیان، باعث رکود شیعیان و از میان رفتن آنان نشد، بلکه

## کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان ۳۵

کارایی آنان در برخی امور هم‌چون دبیری، باعث شد تا علی‌رغم فشارهای فزاینده، در جامعه و حتی در ساختار حکومتی، حضوری فعال داشته باشند و بر مناصبی چون دبیری، وزارت و حتی امارت برخی از نواحی دست یابند؛ به طوری که این حضور، اعتراض مخالفان را در پی داشت. نویسنده کتاب *بعض فضائح الروافض*، از بزرگ‌ترین مخالفان شیعه در ری، قدرت شیعه را در آن زمان چنین توصیف می‌کند:

در هیچ روزگاری، [شیعیان] این قوت نداشتند که اکنون، چه دلیر شده‌اند! و به همه دهان، سخن می‌گویند. هیچ سرایی نیست از ترکان که در او ده پانزده رافضی نیستند، و در دیوان‌ها هم دبیران ایشان‌اند، و اکنون بعینه هم‌چنان است که در عهد مقتدر خلیفه بود. (قزوینی رازی، بی‌تا: ۵۴-۵۳)

هم‌چنین قم در این دوره، درست در اختیار شیعیان بود. در این شهر، کرسی‌های علمی، کتابخانه‌ها و مدرسه‌های زیادی دایر بود؛ از جمله: مدرسه اثیرالملک، مدرسه شهید سعید عزالدین مرتضی، مدرسه سید امام زین‌الدین، مدرسه ظهیر عبدالعزیز و مدرسه شمس‌الدین مرتضی. هم‌چنین کتاب *النهرست* منتجب‌الدین، چگونگی حضور فرهنگی تشیع در شهر ری را در قرن ششم نشان می‌دهد. از خواندن این کتاب می‌توان پی برد که اندیشه‌وران شیعی بسیار برجسته‌ای در این دوره، در این شهر زندگی می‌کرده‌اند و گاهی مناظره‌هایی میان آنان و علمای سنی صورت می‌گرفت و گاهی این مناظره‌ها در حضور پادشاهان سلجوقی برگزار می‌شد. (جعفریان، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۱)

## ۲. وزرا و دیوان‌سالاران شیعی

بسیاری از امیران و دیوان‌سالاران سلجوقی، شیعه بودند. ملک‌شاه دختر خود خاتون را به ازدواج یکی از شیعیان به نام سپهبد علی درآورد و حتی برخی از رجال شیعه هم‌چون مجدالملک بردستانی قمی در حکومت سلجوقیان به وزارت رسیدند. (قزوینی رازی، بی‌تا: ۸۷)

مجدالملک، رئیس دیوان استیفای ملک‌شاه و وزیر برکیارق (۴۸۵-۴۹۸ ق) بود. تاریخ‌نگاران، او را فردی عابد، اهل بصیرت و برخوردار از اقتدار برشمرده و

ستوده‌اند. ابن‌اثیر در این باره می‌گوید:

مجدالملک قمی، وزیری بود که شب‌ها، بسیار عبادت می‌کرد و نماز شیش ترک نمی‌شد. از احسان و صدقه فراوان به مردم، مخصوصاً علویان، دریغ نمی‌ورزید. از کمک به افراد آبرومند، غافل نبود و از خون‌ریزی، بسیار کراهت داشت. او با این که شیعی بود، ولی با سایر فرق و طوایف مسلمان رفتاری عادلانه داشت. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۹۰)

عبدالجلیل رازی وی را از شیعیان بسیار معتقد، باخلاص، اهل بصیرت و دانشمندی عادل دانسته است. (قزوینی رازی، بی‌تا: ۸۸-۸۷) دیگران نیز او را از شیعیان خالص شمرده و بسیار از او تجلیل کرده‌اند. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۴۵۹؛ امین، ۱۴۲۱، ج ۳: ۲۹۹) مجدالملک در دستگاه سلجوقیان، اقتدار و موقعیت ویژه‌ای داشت؛ به طوری که شخص برکیارق به شدت زیر نفوذ و تأثیر او بود. وی در سال ۴۷۲ قمری (حموی، ۱۹۹۵، ج ۱: ۳۶۸) و به قولی در سال ۴۹۲ قمری (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۹۰) از دنیا رفت.

سعدالملک رازی (آوجی) دیگر وزیر شیعه دربار سلجوقی به شمار می‌رفت. او اصالتاً از آوه بود و قبل از آن که سلطان محمد سلجوقی (۴۹۸-۵۱۱ ق) به سلطنت برسد، کاتب و مدیر امور او به شمار می‌رفت و پس از به سلطنت رسیدن وی به مقام وزارت رسید. (قزوینی رازی، بی‌تا: ۸۶-۸۷؛ شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۴۵۷)

از دیگر وزرای شیعی دستگاه سلجوقی باید به شرف‌الدین ابوطاهر سعدبن‌علی قمی وزیر دربار سلطان سنجر (۵۱۱-۵۵۲ ق) اشاره کرد. وی در آغاز جوانی از زادگاهش شهر قم، به بغداد رفت و بر اثر قابلیت و کفایت سیاسی، از شخصیت‌های نزدیک به ملک‌شاه گردید. در سال ۴۸۱ قمری که مردم مرو از ستم حکمران آن دیار به تنگ آمده بودند، شکایت خویش را نزد ملک‌شاه بردند. خواجه نظام‌الملک، ابوطاهر قمی را حاکم آن منطقه برگزید. وی چهل سال در آن‌جا حکومت کرد. مدتی نیز خود متصدی دیوان عرض<sup>۱</sup> لشکر بود.

۱. دیوان عرض از دیوان‌های دولت سلجوقیان بود که بر امور سپاهیان امپراتوری نظارت داشت. رییس دیوان عرض را با عنوان عارض لشکر می‌شناختند و وظیفه وی حضوروغیاب کردن سربازان و تنظیم مواجب و جیره غذایی آنان بود.

## کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان ۳۷

آن‌گاه سنجر پس از درگذشت وزیرش شهاب‌الاسلام به سال ۵۱۵ قمری، او را به وزارت برگزید. هر چند دوران صدارت وی چندان استمرار نیافت و بعد از سه ماه وزارت، از دنیا رفت، در همین مدت کوتاه «به غایت متدین و متشرع بود و در کمال حلم و وقار به امر وزارت اشتغال داشت.» (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۵۲) بدن او را به مشهد مقدس بردند و در جوار بارگاه امام رضا علیه السلام به خاک سپردند. (خواندمیر، بی‌تا، ج ۲: ۱۹۰-۱۹۱؛ شوستری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۴۶۲) از آثار با ارزش او، ساخت مدرسه مجللی در شهر قم بود. وی روضه مقدس امام رضا علیه السلام را که در فتنه غزان آسیب دیده بود، مرمت کرد و در جوار بقعه، حجره‌ای هم برای مدفن خویش بنا نهاد و املاک و مستغلاتی بر آن وقف نمود. (فیض، ۱۳۴۹، ج ۱: ۳۵۶)

مختص‌الملک کاشی نیز از شیعیانی بود که در عصر سلجوقیان به وزارت رسید. معین‌الدین نصیرالدوله مختص‌الملک ابونصر احمد بن فضل بن محمود کاشی، از اوایل عهد برکیارق (۴۸۵-۴۹۸ ق) در دیوان دولتی به شغل کتابت اشتغال داشت. وی در زمان سلطان محمد سلجوقی (۴۹۸-۵۱۱ ق) به ریاست دیوان انشا و طغرا<sup>۱</sup> منصوب گردید، ولی چندی بعد به تهمت باطنی بودن گرفتار شد و از مقامش عزل گردید. او پس از مدتی به ریاست دیوان استیفا رسید و در برهه‌ای نیز وزارت گوهرخاتون (همسر سلطان محمد) را بر عهده داشت. (اصفهانی، ۱۴۲۵: ۲۴۴ و ۲۵۲؛ بنداری اصفهانی، بی‌تا: ۱۱۴-۱۱۵) وی طی سال‌های ۵۱۱ تا ۵۱۸ قمری از سیاست دور بود. سلطان سنجر سلجوقی در این سال ۵۱۸ قمری وی را به وزارت خود برگزید. مدت وزارتش در زمان سلطان سنجر از ۵۱۸ تا ۵۲۱ هجری بود. (تتوی، ۱۳۸۲ ج ۵: ۲۹۹) این وزیر شیعی، سرانجام در سال ۵۲۱ قمری توسط فداییان اسماعیلی، به شهادت رسید. (بنداری اصفهانی، بی‌تا: ۳۲۲)

شرف‌الدین انوشیروان بن خالد کاشانی از دیگر وزرای شیعی دربار سلجوقی

۱. منصب طغرا پس از وزارت و منصب استیفا بالاترین مناصب است. دیوان رسائل و انشا جزء دیوان طغراست. پس از طغرا، دیوان اشراف و سپس عرض سپاه قرار داشت. (بنداری اصفهانی، بی‌تا: ص

است. او در ری به دنیا آمد و برای تکمیل تحصیلات خود، به بغداد رفت. وی در دستگاه دیوانی خواجه نظام‌الملک دبیری آموخت و در مقام وزیر، خزانه‌دار و رئیس دیوان عرض، در دربار پادشاهان سلجوقی از جمله سلطان محمد بن ملک‌شاه (۴۹۸-۵۱۱ ق)، سلطان محمود (۵۱۱-۵۲۵ ق) و مسعود (۵۲۹-۵۴۷ ق) حضور داشت. مدت هفت سال وزارت سلطان محمود سلجوقی را بر عهده گرفت و مدتی هم وزیر المسترشد (۵۲۹-۴۸۵ ق) خلیفه عباسی بود. انوشیروان از رجال دانشمند عصر سلجوقی بود و در فضل و هنر و ادب و تبحر در لغات عرب، سرآمد روزگار خود محسوب می‌شد و «بسیاری از اوقات را در مطالعه علوم معقول و منقول صرف نموده، بر جاده شرع و تقوا و امانت مدت‌العمر ثبات قدم ورزید.» (خواندمیر، بی‌تا، ج ۲: ۲۱۰؛ تتوی، ۱۳۸۲ ج ۵: ۳۰۰۳) وی کتابی در شرح حال خود، دیوان سالاران و بخشی از تاریخ سلاجقه به نام *نقشه المصدور فی فتور زمان المصدور و صدور زمان الفتور* را به زبان فارسی نوشت. نویسنده در مقام وزیر و دیوان سالار سلجوقی، خود بسیاری از رویدادها را شاهد بود، از این رو، کتاب او اهمیت ویژه‌ای دارد. وی دوازدهم صفر ۵۳۳ قمری در بغداد درگذشت و در نجف دفن شد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۱۱۴)

فخرالدین پسر صفی‌الدین ورامینی نیز از جمله وزرای شیعی دستگاه سلجوقی بود. وی وزارت آخرین پادشاه این خاندان یعنی طغرل سوم (۵۷۱-۵۹۰ ق) را بر عهده داشت. (راوندی، ۱۳۶۴: ۳۳۱ و ۳۷۰) فرزند وی، معین‌الدین نیز مدتی وزارت طغرل را بر عهده گرفت و در دوران وزارت او سلطان تکش خوارزمشاه (۵۶۸-۵۹۶ ق) بر عراق استیلا یافت و سلطان طغرل از دنیا رفت. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۴۶۶) در این فهرست، به افراد دیگری همچون: استاد ابو منصور آوی از وزرای طغرل، تاج‌الملک ابوالغنائیم قمی وزیر ملک‌شاه و هبه‌الله محمد بن علی معروف به "ابن‌المطلب" وزیر مستظهر عباسی باید اشاره کرد. (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲: ۴۳۸، ۴۶۰-۴۶۱) غیر از شیعیانی که به مقام وزارت رسیدند، برخی دیگر نیز به عنوان امرای محلی و دیوانی در دستگاه سلجوقی حضور داشتند. امیر ابوالفضل عراقی از این دسته است. وی در عصر حکومت سلطان طغرل (۴۲۹-۴۶۵ قمری) می‌زیسته و نزد این سلطان بسیار مقرب و محترم و از امرای شیعی آن



عصر بوده است. (قزوینی رازی، بی‌تا: ۲۲۰)

کمال‌الدین ثابت‌بن‌محمد نیز از شخصیت‌های پرنفوذ دولت سلجوقی در دهه‌های نخستین قرن ششم بود. او مدت‌ها در دیوان استیفا، دبیر جامگیات بود و پس از آن به ریاست دیوان اشراف مسعود سلجوقی منصوب شد و در سال ۵۲۸ قمری، مستوفی طغرل دوم گردید (ابوالرجاء قمی، ۱۳۶۳: ۶۱) و انتظار وزارت او نیز می‌رفت، حتی گویا پیشنهادی هم در این مورد به او شده بود. (ابوالرجاء قمی، ۱۳۶۳: ۱۰۳) نگارنده کتاب *تخصر* نیز از بناهایی یاد کرده که کمال ثابت در قم ساخته بود.

از دیگر والیان این دوره، به حسام‌الدین اینانج، والی ری می‌توان اشاره کرد (قزوینی رازی، بی‌تا: ۲۲۱؛ راوندی، ۱۳۶۴: ۱۷۵).

افزون بر این، در دوره ضعف حکومت سلجوقی و شکل‌گیری و رونق نظام اتابکی، اتابکان یزد از کسانی بودند که در گسترش فرهنگ شیعی نقش داشتند. آنان در مدت زمان حکومت خود آثار گران‌بهای برجا گذاشتند. علاءالدوله ابوجعفر بنیان‌گذار این خاندان بود که در ۳۹۸ قمری از سوی سیده خاتون، دختر عمه خود (مادر مجدالدوله دیلمی) به حکومت مستقل اصفهان و پیرامون آن منصوب گردید. طغرل سلجوقی در سال ۴۴۳ قمری، شمس‌الملوک ظهیرالدین ابومنصور فرامرز را به حکومت مستقل یزد و ابرکوه منصوب کرد. (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹: ۵۶۳) حکمرانی ابومنصور در روزگار فرمان‌روایی طغرل، آلب ارسلان و ملک‌شاه سلجوقی بود و نزد آنان، احترام ویژه‌ای داشت. پس از وی به ترتیب فرزندش مؤیدالدوله ابومنصور علی‌بن‌فرامرز، علاءالدوله کالیجار و پسرش امیر فرامرز، بر یزد و حومه آن حکومت کردند. آن‌ها نزد سلجوقیان، دارای احترام و اعتبار بودند. چون امیر فرامرز پسر نداشت، حکومت یزد به دو دخترش واگذار گردید و رکن‌الدین سام‌بن‌وردان روز، به اتابکی آنان گماشته شد. بدین ترتیب حکومت یزد، از آل کاکویه به اتابکان یزد انتقال یافت. اتابکان در آبادانی یزد کوشش بسیاری کردند و بناهای زیادی از خود به یادگار گذاشتند. رکن‌الدین سام مدرسه اتابک را در نزدیکی دروازه مهریز ساخت. وردان روز در بازار دلالان، «مدرسه وردان روز» را بنا کرد. (مستوفی بافقی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۲۰)

در روزگار حمله چنگیز به ایران، سلطان ابومنصور اتابک (قطب‌الدین)، حکومت مغولان را پذیرفت و جانشینانش به عنوان دست‌نشانگان مغول، در حکومت یزد پایدار شدند و با کفایت و زیرکی، یزد را از سپاه مغول مصون داشتند. حکومت حاجی شاه‌بن‌یوسف آخرین اتابک خاندان اتابکان یزد، در سال ۷۱۸ قمری به دست امیر مبارزالدین محمدبن مظفر از میان رفت. (جعفری، ۱۳۸۴: ۲۲۳)

### ۳. نقش کارگزاران در تعظیم شعائر شیعی

حضور پررنگ کارگزاران شیعی در حکومت سلجوقیان، سبب اهتمام آنان به تعظیم و ترویج شعائر شیعی گردید. منابع از احترام امرای سلجوقی به ائمه اطهار علیهم‌السلام خبر می‌دهند و گزارش‌هایی از توجه ترکان به برگزاری مراسم عاشورا شده است. شیعیان که همواره روز عاشورای حسینی را به عنوان یاد بود شهادت و مظلومیت امام حسین علیه‌السلام گرامی داشته‌اند، در این دوران که از آزادی‌های نسبی برخوردار شدند، به اقامه عزاداری می‌پرداختند تا به این وسیله، آرمان‌ها و عقاید خویش را آشکار سازند. مراسم عزاداری در شهرهای شیعه‌نشین چنان رواج یافت که حتی بزرگان شافعی و حنفی نیز در آن روز، در منقبت امام حسین علیه‌السلام به خطابه می‌پرداختند و مراسم و عزاداری تقریباً در بیش‌تر قلمرو سلجوقی به ویژه بغداد بر پا می‌شد. (جعفری، ۱۳۸۴: ۴۰۲-۴۰۶)

در زمان طغرل، امیرابوالفضل عراقی که از احترام خاصی نزد طغرل برخوردار بود، باروی شهر ری و باروی شهر قم را درست کرد و مشهد و قبه حضرت معصومه علیها‌السلام را در قم بنا نهاد. وی قبه‌ای را که زینب، دختر امام جواد علیه‌السلام بر روی قبر حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام بنا کرده بود، تجدید بنا نمود و آن را توسعه داد. (قزوینی رازی، بی‌تا: ۲۲۰) وی که برای زیارت قبر حضرت علی علیه‌السلام به نجف رفته بود، به دیدار شیخ طوسی رفت و ایشان او را به تجدید ساختمان حرم حضرت معصومه علیها‌السلام ترغیب نمود. (فیض، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۰۹) مسجد عتیق قم که بسیار بزرگ و با عظمت بوده، یکی از کارهای بزرگ امیرابوالفضل عراقی به شمار می‌آید که بیرون شهر قم آن را بنا کرده است. (فیض، ۱۳۴۹، ج ۲: ۲۲۷) حتی به اعتقاد برخی از پژوهش‌گران، وی نخستین گنبد وسیع بر روی قبر

## کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان ۴۱

مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را ساخته است. (فیض، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۴۲) مجدالملک قمی نیز در دوران وزارت خود، به ساختن گنبد بر روی قبور مطهر امامان علیهم السلام اقدام کرد. وی در بازسازی و ساخت عمارت در مشاهد شریفه شیعه تلاش مستمری داشت. در منابع آمده که وی قبه قبور مطهر چهار امام مدفون در قبرستان بقیع و همچنین قبر عباس بن عبدالمطلب را بنا نهاد. وی همچنین به مرمت حرم امام کاظم علیه السلام و امام هادی علیه السلام در کاظمین و حرم سید عبدالعظیم حسنی در شهر ری پرداخت و منابعی را بر آن وقف نمود. (قزوینی رازی، بی تا: ۲۲۰) همچنین بر روی قبر عثمان بن مظعون، صحابه بسیار معروف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در قبرستان بقیع، یک چهارتاقی ساخت. (امین، ۱۴۲۱، ج ۳: ۲۹۹)

در دوره سلجوقیان، نخستین سنگ مرقد امام رضا علیه السلام که از جنس مرمر و متعلق به سال ۵۱۶ قمری است، با ابعاد چهل سانت طول و سی سانت عرض و شش سانتیمتر قطر روی قبر مطهر نصب شد. روی سنگ عباراتی مشتمل بر آیه قرآن و اسامی پیشوایان معصوم، به خط کوفی نوشته شده که از لحاظ قدمت و نوع خط، اهمیت بسیاری دارد. این قطعه سنگ در موزه آستان قدس رضوی نگه‌داری می‌شود.

شرف‌الدین ابوطاهر بن سعد بن علی قمی حاکم مرو در عهد سلطان سنجر (۵۱۱-۵۵۷ ق) حرم رضوی را که در سال ۵۴۸ قمری در حمله ترکان غز، آسیب دیده بود، مرمت کرد و برای نخستین بار بنای مفصلی برای مرقد امام رضا علیه السلام ساخت. در این دوره به قم که شهری شیعی محسوب می‌شد، به ویژه حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، توجه شایانی گردید. آستان آن حضرت در سده‌های پنجم و ششم قمری دارای اوقاف، تشکیلات و تولیت بود و متولی آن اداره امور اوقاف و تعیین مدرس، فقها و ائمه جماعت و عزل و نصب تمامی مشاغل و مناصب را در آستانه به عهده داشت. منابع درباره آثار ساخته شده در این دوره در شهر قم می‌نویسند:

معلوم است که در شهر قم که همه شیعه‌اند، آثار اسلام و شعائر دین و قوت اعتقاد چون باشد که از جوامع بلفصل (ابوالفضل) عراقی کرده است،

بیرون مشهد و چه کمال ثابت کرده است در میان شهر و مقصوره‌های بازینت و منبرهای باتکلف و مناره‌های رفیع و کراسی علما و نوبت عقود مجالس و آن سرای ستی فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام با اوقاف و مدرس و فقها و ائمه و زینت تمام و قبول اعظم... (قزوینی رازی، بی‌تا: ۲۲۰)

چند نمونه از وقف‌نامه‌های آستانه مقدسه قم در کتابخانه و موزه و انبار آستانه موجود است که بیش‌تر به کتاب‌ها و قرآن‌هایی مربوط می‌شود که وقف بر آستانه شده است. وقف‌نامه مورخ رمضان ۵۹۴ قمری، حاکی از وقف چهار جلد مصحف شریف با صندوق آن بر آستانه حضرت فاطمه معصومه علیها السلام است. از این سند، برمی‌آید که ابوعیسی احمد بن ابی‌شجاع نازویه در تاریخ یاد شده، این مصحف را در چهار جلد که اکنون دو جلد آن بیش‌تر باقی نیست، بر آستانه وقف کرده و شاهدانی نیز آن را امضا کرده‌اند. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۱۲۷-۱۲۹)

در کاشان نیز مدارس و مشاهد شیعی مورد توجه ویژه قرار داشت. برای نمونه، مشهد امام‌زاده علی بن محمد بن محمد بن باقر علیه السلام که دارای موقوفات فراوانی بود، از جمله مراکز تجمع شیعیان بوده است. در منابع آمده:

و عمارت مشهد امام‌زاده علی بن محمد باقر علیه السلام به بارگزر که مجدالدین از وزرای دولت سلاجقه فرموده است و در آن حدود باز نیت و عدت و آلت و رونق و نور و برکات و اوقاف بسیار و آن را همه پادشاهان و ملوک و امرا و وزرا خریدار و معترف‌اند. (قزوینی رازی، بی‌تا: ص ۱۷۰)

از دیگر بناهای مهم شیعی ساخته شده در قرن ششم، مسجد جامع قدیم یزد است که گرشاسب بن علی بن فرامرز از خاندان شیعی کاکوئیان آن را بنا کرد. او در سال ۵۰۴ قمری، به حکومت یزد رسید. وی مسجد را طبق روایت تاریخ یزد در محل آتشکده ساسانی ساخت و برای آن کتابخانه‌ای در نظر گرفت و شعبه‌ای از قنات زارچ را در آن مسجد جاری کرد. (جعفری، ۱۳۸۴: ۳۷)

علاوه بر کارگزاران شیعی، برخی از پادشاهان و منسوبان خاندان سلجوقی نیز اقداماتی در جهت تعظیم شعائر شیعی انجام دادند. چنان‌که شاهان سلجوقی به ائمه اطهار علیهم السلام احترام می‌گزاردند. درباره آلبارسلان گفته شده که به زیارت

## کارگزاران شیعه امامیه در دستگاه حکومتی سلجوقیان ۴۳

امام رضا علیه السلام می‌رفت. (خواندمیر، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۹) ملک‌شاه به زیارت قبور ائمه مدفون در کاظمین، کربلا و نجف رفت و نذورات بسیاری میان اهالی آن منطقه تقسیم کرد. (تتوی، ۱۳۸۲، ج ۴: ۲۴۸) در سال ۴۷۵ قمری ملک‌شاه فرمان بازسازی باروی زیارتگاه امام حسین علیه السلام را صادر نمود و به افراد مقیم در مرقد امام کاظم علیه السلام نذوراتی را بخشید. طغرل به مرقد حضرت عبدالعظیم توجه کرد و مزرعه مبارک‌آباد را که به خیرآباد غار شهرری شهرت داشت، وقف آن کرد. (شهبابی، ۱۳۴۳: ۷۲-۷۳)

مسجد جامع شهر قم، از دیگر آثار به جا مانده از دوره سلجوقی است. در *خلاصه البلدان* آمده است:

و اما مسجد جامع شهر را که الحال دایر است و تولیت آن با سلسله جلیله سادات واعظ است، سلطان طغرل در ایام سلطنت خود در سنه ثمان و عشرين و خمس مائه (۵۲۸ قمری) بنا نهاده و موقوفات بر آن مقرر نموده» (حسینی قمی، بی‌تا: ۱۸۵)

در سال ۵۵۷ قمری نیز به دستور چترکان زمرد ملک خواهرزاده سلطان سنجر، بنابر نوشته‌های روی کاشی‌ها و ذکر تاریخ آن‌ها عشر و خمس مائه (۵۱۲ قمری) ازاره حرم با کاشی‌های نفیس شش‌ضلعی، هشت ضلعی و ستاره‌ای (معروف به کاشی سنجری) تزیین شد. این بانو دستور داد تا قرآن کریم را با خط خوش در جزوه‌هایی نوشتند و آن‌ها را وقف بقعه ساخت. (حسینی قمی، بی‌تا: ۱۸۵)

## نتیجه

شیعیان در زمان سلجوقیان، به ویژه در ابتدای این حکومت در تنگنا قرار داشتند؛ ولی کارایی آنان در امور دبیری، علی‌رغم فشارهای زیاد، نه تنها موجب خاموشی تشیع نشد، بلکه رشد و گسترش آن را نیز به همراه آورد. وزارت تنی چند از شیعیان در حکومت‌های عباسیان و سلجوقیان، گواه بازاری بر این مدعا است.

۱. این اثر هم‌اکنون در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگاه‌داری می‌شود.

با توجه به این گزارش‌ها، به نظر می‌رسد که نمی‌توان از قدرت سیاسی شیعیان در عصر سلجوقی به راحتی گذشت؛ زیرا در همان روزگاری که آن سخت‌گیری‌ها بر شیعیان تحمیل می‌شد و حتی در دوران اقتدار نظام‌الملک، نفوذ دیوان‌سالاران شیعی در دستگاه سلطنت آغاز شده بود و با گذشت زمان، به حدی رسید که بسیاری از وزیران شاهان سلجوقی و حتی خلفای عباسی، بر مذهب شیعه بودند. آن‌ها مناصبی هم‌چون کتابت، وزارت و امور دیوانی را بر عهده گرفتند و در ترویج شعائر شیعی کوشیدند. افزون بر این، امیران شیعی هم‌چون اتابکان یزد نیز بر بخش‌هایی از ایران حکومت می‌کردند و آثاری از خود بر جای نهادند و به تحکیم و تثبیت شیعه کمک کردند.

## کتابنامه

- ابن اثیر (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر - دار بیروت، ج ۹، ۱۰ و ۱۱.
- ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین (۱۳۶۳). *تاریخ الوزراء*، محقق و مصحح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اصفهانی، عمادالدین محمد (۱۴۲۵). *تاریخ دولت آل سلجوق*، محقق و مصحح یحیی مراد، بیروت، دارالعلمیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد (۱۴۱۲). *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، ط الأولی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱۶.
- امین، سیدمحسن (۱۴۲۱). *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف، ج ۳.
- بنداری اصفهانی، فتح‌بن علی (بی‌تا). ترجمه محمدحسین جلیلی، *تاریخ سلسله سلجوقی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- تتوی، قاضی احمد، آصف‌خان قزوینی، (۱۳۸۲). *تاریخ النسی*، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۴ و ۵.
- جعفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۴). *تاریخ یزد*، مصحح ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۵). *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، قم، انصاریان، ج ۲.
- حموی، یاقوت‌بن عبدالله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر، ج ۱۰ و ۱۵.
- حسینی قمی، صفی‌الدین محمد (بی‌تا). *خلاصه البلدان*، با کوشش حسین مدرسی طباطبایی، قم، چاپ حکمت.
- خواجه نظام‌الملک (۱۳۴۸). *سیاست‌نامه*، به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (بی‌تا). *دستورالوزرا*، محقق و مصحح سعید نفیسی، تهران، اقبال، ج ۲.
- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۶۴). *راحه الصدور و آیه السرور در*

تاریخ آل سلجوق، محقق و مصحح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر.

- شهبابی، علی اکبر (۱۳۴۳). تاریخچه وقف در اسلام، تهران، دانشگاه تهران.

- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴). مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ج ۲.

- فیض (۱۳۴۹). گنجینه آثار قم، قم، چاپخانه مهر استوار، ج ۱ و ۲.

- قزوینی رازی، عبدالجلیل (بی تا). التخصیر، به اهتمام سیدجلال الدین محدث، بیروت، دارالاضواء.

- مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۳۵). تربیت پاکان، قم، چاپخانه مهر، ج ۱.

- مستوفی بافقی، محمدمفید (۱۳۸۵). جامع مفیدی، مصحح ایرج افشار، تهران، اساطیر، ج ۱ و ۳.

- نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). سلجوق نامه، تهران، خاور.